به بهانه سالگرد غائله ۱۴ اسفند ۵۹

«کیش شخصیت» چگونه بنی صدر را ساقط کرد؟

■ سید روح الله امین آبادی

۱۴ اسفند ماه سال ۱۳۵۹ ابوالحسن بنی صدر نخستین رئیس جمهور پس از ماه‌ها زد و خورد در فضای سیاسی کشور به خط مقدم زده و برای قرار دادن نظام اسلامی در برابر یک بحران بزرگ در سالمرگ بنی صدر سخنانی جنجالی و آشوب برانگیز بر زبان راند. وی گمان می‌کرد این سخنرانی و تنش‌های بعدی زمینه ساز عقب نشینی امام و کلیت جمهوری اسلامی در برابر وی خواهد شد ولی این گونه نگردید و این غائله در حقیقت سقوط بنی صدر را رقم زد.
در این نوشتار خواهیم کوشید به روند سقوط اولین رئیس جمهور و چرایی آن به اختصار بپردازیم ...

پیش به سوی قدرت !

همزمان با بازگشت امام به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، بنی صدر از جمله کسانی بود که در این سفر با ایشان همراه بود. در آن زمان وی چهره‌ای ناشناخته برای مردم بود، اما بعد از گذشت سه روز از ورودش به ایران، سلسله سخنرانی‌هایی در دانشگاه صنعتی شریف داشت که ده روز به طول انجامید.

از این پس بسیاری او را در لباس یک روشنفکر دینی که سعی دارد با استفاده از مفاهیم و مضامین قرآنی و اسلامی پیوندی با دنیای متمدن غرب برقرار کند، می‌شناختند.

وی در این مقطع یکی از منتقدان تند و تیز کابینه دولت موقت هم بود و در ساختار اقتصادی از جمله مدافعان سرسخت ملی شدن بانک‌ها و اقتصاد بدون بهره بود.

از طرفی دیگر تجربه حضور در وزارت اقتصاد و دارایی و امور خارجه را هم داشت.همه این عوامل باعث شد که او به عنوان یکی از چهره‌های مطرح برای انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری شناخته شود .

تذکر امام به اولین رئیس جمهور چه بود ؟!

از مقدمات انتخابات ریاست جمهوری که بگذریم بالاخره در روز ۵ بهمن ۱۳۵۸ اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و مردم برای انتخاب رئیس قوه مجریه پای صندوق‌های رأی رفتند و بنی صدر با ۱۱ میلیون رأی به ریاست جمهوری رسید.[1]

*** یک از تالیفات مشهور ابوالحسن بنی صدر کتابی است به نام «کیش شخصیت»، که به پدیده چهره‌سازی و خودشیفتگی نخبگان در جوامع می‌پردازد. شاید آن روز که بنی صدر در حال نگارش این کتاب بود، گمان نمی‌کرد نماد برجسته این انحراف در جامعه ایرانی خواهد شد.**

۱۵ بهمن ماه سال ۵۸ نزدیک به ده روز بعد از انتخابات امام خمینی حکم منتخب ملت را تنفیذ و بنی صدر رسما رئیس جمهور ایران می‌شود .

ولی آن چه در تنفیذ حکم اولین رئیس جمهور پیش از موارد دیگر نمود و ظهور و بروز داشت نصیحتی است که امام خمینی آن روز خطاب به بنی صدر از آن سخن گفتند وای کاش بنی صدر به این نصیحت گوش می‌داد !

امام خمینی در این روز در جمع اعضای شورای انقلاب، رئیس جمهور منتخب و جمعی از خبرنگاران خطاب به بنی صدر فرمودند: من یک کلمه به آقای بنی صدر تذکر می‌دهم، که آن یک کلمه تذکر برای همه است: حبّ‌الدنیا رأس کلّ خطیئهٔ هر مقامی که برای بشر حاصل می‌شود، چه مقامهای معنوی و چه مقامهای مادی روزی گرفته خواهد شد و آن روز هم نامعلوم است.

ایشان ادامه دادند: من از آقای بنی‌صدر می‌خواهم که مابین قبل از ریاست جمهور و بعد از ریاست جمهور در اخلاق روحی‌شان تفاوتی نباشد. تفاوت بودن دلیل بر ضعف نفس است.[2]

به راستی امام از کجا می‌دانست که بنی صدر شایسته این جایگاه نیست و میان امروز و فردای او تفاوت‌های بسیار خواهد بود که این گونه در ابتدای کار نخستین رئیس جمهور را نصیحت می‌کنند و از آینده بیمش می‌دهند !

سخنانی که گوینده به آنها عمل نکرد !

به هر حال بنی صدر رئیس جمهور می‌شود ...نخستین سخنان یک رئیس جمهور از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که این سخنرانی نشان می‌دهد منتخب ملت چگونه می‌اندیشد و چه خواهد کرد.

پس از قرائت حکم امام توسط مرحوم حجت الاسلام سید احمد خمینی، بنی صدر طی سخنانی می‌گوید: برای ما چه افتخاری دارد که وقتی که وارث جامعه‌ای هستیم فقرزده و مابخواهیم ادامه بدهیم با دلخوشی به یک عناوینی که این عناوین هیچ محتوایی ندارند. ریاست جمهوری، وزارت، و ...به چکار می‌آید ؟ اگر به خدمت مردم در نیاید.

وی ادامه می‌دهد : مردم ما معتقد نیستند که برای پیروزی و غلبه بر مشکلات با هم گلاویز بشوند، رجال دینی یا سیاسی ما امرای ارتش لازم است شب و روز با هم دعوا داشته باشند تا بشود گفت که شان و منزلت پیدا کرده اند، این دید یک انسان نیست. دید یک انسان این است که مقام در همکاری است در کار هم نیست.[3]

بنی صدر از نخستین وظیفه رئیس جمهور سخن می‌گوید و می‌گوید وظیفه ام ایجاد تفاهم است، می‌گوید رئیس جمهور نشده‌ام تا مثل شاه بین مردم اختلاف ایجاد کنم. بنی صدر تعهد می‌دهد که بین مردم و گروهها تفاهم ایجاد کند و ...

آیا این گونه می‌شود ؟! حقیقت آن است که بنی صدر درست از روز تنفیذ آتش اختلافات را روشن می‌کند، با نهادهای قانونی کشور از جمله مجلس و قوه قضائیه درگیر می‌شود، آنها را به استبداد محکوم می‌کند و می‌گوید همه باید با من به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم هماهنگ شوند، او هر چه می‌گوید خلاف آن را عمل می‌کند و گویی او نیست که این سخنان را بر زبان رانده است ...

گام به گام به سمت استبداد؛ تلاش برای تسخیر مجلس !

به هر حال بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد و در این شرایط بایستی نخستین مجلس شورای اسلامی، که در آن زمان مجلس شورای ملی خوانده می‌شد، نیز تشکیل شود تا رئیس‌جمهور به صورتی رسمی بتواند کار خود را با سوگند مقابل نمایندگان ملت آغاز کند.

از آن جایی که براساس قانون اساسی، رئیس‌جمهور مقامی تشریفاتی محسوب می‌شد و مجلس باید به نخست‌وزیر رأی اعتماد می‌داد، انتخاب نمایندگان مجلس از اهمیتی زایدالوصف برخوردار بود. از این رو بسیاری بر آن بودند که مجلس را همسو با خود سازند.

بنی‌صدر که اینک اولین رئیس‌جمهور ایران شده بود، با علم به اینکه مجلس آینده در صورتی که موافق وی نباشد مصائب زیادی بر وی تحمیل خواهد شد و همچنین برنامه‌های دور و درازش نقش بر آب خواهد شد، از همان روز اول از این سخن می‌گفت که مجلس باید با رئیس‌جمهور منطبق باشد.

بنی‌صدر در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: مجلسی که در آینده تشکیل می‌شود باید متناسب با برنامه‌ها و نظرهایی باشد که براساس آن انتخابات ریاست‌جمهوری انجام شده است. وی در این سخنرانی از کسانی که فکر می‌کنند در ایران هر کسی سوار شد تا آخر سوار می‌ماند انتقاد کرد. [4]

بهانه‌ای که از دست بنی صدر گرفته شد

به دنبال انتخاب بنی صدر از سوی مردم به عنوان نخستین رئیس جمهور امام خمینی برای اینکه بهانه‌ای از سوی بنی صدر برای کم کاری و یا اینکه کسی با او همکاری نمی‌کند نداشته باشد او را به فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب می‌کنند.

در بخشی از حکم امام خمینی در روز ۳۰ بهمن ۱۳۵۸ در این زمینه آمده بود : در این مرحله حساس که احتیاج به تمرکز قوا بیشتر از هر مرحله است جنابعالی به نمایندگی اینجانب به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیبی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده است منصوب می‌شوید.[5]

بنی صدر در طول فرماندهی خود در نیروهای مسلح علاوه بر اینکه این نیروها را به سمت سیاسی شدن و در نتیجه دوری از هدف اصلی یعنی جنگ سوق می‌دهد مرتکب تخلفات دیگری نیز می‌گردد به صورتی که با آغاز جنگ تحمیلی ایران در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته و در ماه‌های اول جنگ اراضی وسیعی را از دست می‌دهد.

اولین بحران بزرگ ؛ چه کسی نخست وزیر می‌شود؟!

پس از شکل گیری مجلس انتخاب نخست وزیر اولین اقدامی بود که اختلافات را علنی ساخت.

بنی صدر در این مرحله در یک اقدام فریب کارانه در نامه‌ای به رهبر انقلاب سید احمد خمینی فرزند امام را برای تصدی نخست وزیری معرفی می‌کند [6] به این امید که هم از نخست وزیر معرفی شده از سوی حزب جمهوری اسلامی یعنی جلال الدین فارسی رهایی یابد و یا در صورت مخالفت احتمالی نمایندگان ملت بر روی اختلاف مجلس و بیت امام تمرکز کند ولی حضرت روح الله با هوشمندی مثال زدنی با پیشنهاد بنی صدر مخالفت می‌کنند.[7]

به هر حال پس از افت و خیزهای فراوان ابوالحسن بنی صدر براساس توافق صورت گرفته محمد علی رجایی را به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی می‌کند.

با مشخص شدن نظر مجلس که جز محمد علی رجایی کسی نخواهد توانست رای اعتماد نمایندگان را به سوی خود جلب کند بنی صدر در نامه‌ای رجایی را به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی می‌کند.

با این حال که او اعلام کرده بود در باره اختلافات خود با محمد علی رجایی سکوت خواهد کرد و در تخریب کابینه اقدامی نخواهد کرد بنی صدر در طول نزدیک به یک سال از هیچ کوششی در جهت زمین زدن دولت کوتاهی نکرد و بارها با این عنوان که این دولت به رئیس جمهور تحمیل شده است مانع تشکیل و تکمیل کابینه گردید به صورتی که تا روز برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری کابینه شهید رجایی دارای وزیر خارجه نبود .

رئیس جمهوری که دیگران را قبول نداشت !

چنان‌که ذکر آن رفت بنی صدر از آن جا که می‌دانست مجلس آینده در تشکیل کابینه و بسیاری از موارد دیگر نقش مهمی ایفا خواهد کرد تلاش داشت تا نخستین مجلس پس از انقلاب را در قبضه خود داشته باشد.

بنی صدر بارها و با بهانه‌های مختلف دیگر نهادهای جمهوری اسلامی از مجلس گرفته تا قوه قضائیه و دولت منتخب مجلس را غیرقانونی دانسته و خواستار انحلال این نهادها می‌شد.

این دخالت‌ها تاجایی گسترش پیدا کرد که دوم خرداد ماه سال ۶۰ بنی صدر طی نامه سرگشاده‌ای به شورای عالی قضایی نسبت به تغییر سمت‌های عده‌ای از مسئولین و قضات دادگستری اعتراض کرد .

بنی صدر کم کم پا را فراتر گذاشت و علاوه بر ادعای هماهنگی دیگر قوا با او نقش هماهنگ‌کننده قوای سه گانه را نیز برای خود قائل شد و طی نامه‌ای به آیت‌الله شهاب الدین اشراقی نماینده خود در هیئت حل اختلاف نوشت : « براساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی نقش هماهنگ کردن قوای سه گانه حق من است، از این رو حق تذکر و اخطار قانون اساسی را دارم .»

سخنرانی‌های جنجالی از ۱۷ شهریور تا ۱۴ اسفند !

پس از پیروزی بنی صدر در انتخابات ریاست جمهوری که در پی کنار رفتن رقبای اصلی وی به دست آمد بود، انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی برگزار شد و جریان اسلامی توانست به موفقیت چشمگیری در این انتخابات دست یابد.

بنی صدر که مجلس را کاملاً در اختیار خود نمی‌دید سعی کرد علاوه بر ایجاد جنگ روانی و مقاومت در برابر برخی تصمیمات نیروهای اسلامی، مخالفت هایش را با آنها به فضای عمومی جامعه سوق دهد و مخالفانش را در برابر مردم قرار دهد.

وی در این کار به آرای بالای خود در انتخابش به ریاست جمهوری و امکاناتی از قبیل روزنامه‌اش اتکا می‌کرد.

یکی از راهکارهای بنی صدر برای رسیدن به این مقصودی، سخنرانی‌های تنش زا در مکان‌های عمومی بود که با اطلاع رسانی و دعوت از مردم صورت می‌گرفت و بازتاب آن در روزنامه انقلاب اسلامی و برخی از نشریات همسو با رئیس جمهور دامن زده می‌شد.

سخنرانی‌های اوایل مرداد ماه، ۱۷ شهریور[8]، عاشورا[9]، ۲۲بهمن[10] و در نهایت ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ [11] را باید در این راستا ارزیابی کرد .

سخنرانی ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ بنی صدر را به راستی می‌توان آخرین میخ بر تابوت خود رایی و خودکامگی‌های نخستین رئیس جمهور دانست. وی که گمان می‌کرد در سالمرگ مصدق خواهد توانست طی سخنرانی در دانشگاه تهران و حاشیه‌های آن نظام اسلامی را تحت فشار قرار دهد نتوانست به اهداف خود دست یابد و گام به گام به سقوط نزدیک‌تر شد ...

هیئت حل اختلاف و رئیس جمهوری که نظر نماینده خود را نپذیرفت !

امام خمینی پس از غائله ۱۴ اسفند و مسائل پس از آن، دستوری برای پیگیری و رسیدگی به این موضوع صادر کرد و رسیدگی قضایی به پروندهٔ چهاردهم اسفند، از تاریخ شانزدهم اسفند همین سال شروع شد و ده نفر قاضیِ تحقیق، تا اوایل خرداد۱۳۶۰ به تحقیقات وسیع و دامنه داری در این زمینه دست زدند.

م بنی‌صدر را عزل کرد
۱۷۷ نماینده مجلس باشعار مرگ بر امریکا عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر را تصویب کردند
با اجرای طرح عملیات «ولایت فقیه» توسط نیروهای انقلاب
جاده ماهشهر و بخشهای وسیعی از جبهه آبادان پس از ۷ ماه اشغال آزاد شد
امام: می‌گویند ما طرفدار «خلق» هستیم، خلق ایران آمریکاست؟!
اعدام انقلابی ۲۳ مهاجم مسلح و عامل درگیریهای اخیر
چمران چگونه در جبهه سوسنگرد شهید شد
عزل رئیس
۱۶ صفحه
کیهان

*** مهم‌ترین نصیحت امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، تحذیر از فریفتگی به مقامات ظاهری بود: توجه داشته باشند همهٔ کسانی که برای بشر خدمت می‌کنند، کسانی که دارای مقامی هستند، دارای پستی هستند، که مقام آنها را مغرور نکند. مقام رفتنی است و انسان در حضور خدای تبارک و تعالی ماندنی است.من از آقای بنی‌صدر می‌خواهم که مابین قبل از ریاست‌جمهور و بعد از ریاست‌جمهور در اخلاق روحی‌شان تفاوت نباشد. تفاوت بودن دلیل بر ضعف نفس است.**

پس از رسیدگی طولانی قوه قضائیه به پروندهٔ حادثهٔ دانشگاه تهران در ۱۴ اسفند و جمع آوری مدارک جرم دراین باره، برخی از نتایج به دست آمده از این رسیدگی اعلام شد و گروه‌های طرفدار رئیس جمهوربه جهت اعمال تحریک آمیزو حمل اسلحه، به عنوان متهمان حادثهٔ چهاردهم اسفند معرفی شدند.

از سوی دیگر در ۲۵ اسفند ۱۳۵۹ با توجه به واقعه ۱۴ اسفند حضرت امام دستور دادند هیئتی سه نفره تشکیل شود و به اختلاف‌های پیش آمده رسیدگی کند.

بنی صدر آیت‌الله اشراقی را به عنوان نماینده خود در آن هیئت انتخاب و معرفی کرد و امام خمینی آیت‌الله مهدوی کنی را به عنوان نماینده خود معرفی کردند و از سوی روسای قوه مقننه و قضائیه نیز آیت‌الله یزدی برای عضویت در این هیئت انتخاب شد.

هیئت پس از بررسی شکایات و نامه‌های وارده بنی صدر و روزنامه‌های حامی وی را متخلف شناخته و به ملت معرفی کرد ولی بنی صدر نظر هیئتی که نماینده خود در آن عضویت داشت را نیز نپذیرفت .و این گونه بود که هیئت حل اختلاف نیز منحل شد.

برکناری از فرماندهی کل قوا و برخورد انقلابی مجلس

به دنبال اقدامات تنش زای بنی صدر که هر روز بر شدت و حدت آن افزوده می‌شد امام خمینی ۲۰ خرداد ماه سال ۱۳۶۰ بنی صدر را از فرماندهی کل نیروهای مسلح برکنار کردند.[12]

۳۰ و ۳۱ خرداد ماه سال ۱۳۶۰ دو روز تاریخی و ماندگار در تاریخ جمهوری اسلامی است. در این دو روز کفایت سیاسی نخستین رئیس جمهور ایران اسلامی در مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تعداد زیادی از نمایندگان مجلس که بعد از یک سال صبر و سکوت دیگر تحملشان تمام شده بود به افشای مفاسد و خیانت‌های بنی صدر پرداختند.

سرانجام مجلس تصمیم تاریخی خود را می‌گیرد و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در بیان نتیجه رای نمایندگان چنین می‌گوید : جمع افرادی که در مجلس حاضر بودند ۱۹۰ نفر. آرائی که موافق عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر به صندوق ریخته شده ۱۷۷ نفر، رای مخالف یک نفر آقایان دیگر از این به بعد آقای بنی صدر به عنوان رئیس جمهور از قاموس جمهوری اسلامی حذف شده شعارها برگردد به طرف آمریکا...[13]

یک روز پس از این تصمیم مجلس شورای اسلامی نیز امام خمینی در حکمی ابوالحسن بنی صدر را از ریاست جمهوری برکنار و این چنین پرونده نخستین رئیس جمهور تاریخ انقلاب بسته می‌شود.

و در پایان

یک از تالیفات مشهور ابوالحسن بنی صدر کتابی است به نام «کیش شخصیت»، که به پدیده چهره‌سازی و خودشیفتگی نخبگان در جوامع می‌پردازد. شاید آن روز که بنی صدر در حال نگارش این کتاب بود، گمان نمی‌کرد نماد برجسته این انحراف در جامعه ایرانی خواهد شد .

وی پیش از انتخابات در مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات گفته بود «اگر قرار باشد که من خودم بگویم کیستم، من خود را این طور به شما معرفی می‌کنم: بزرگ‌ترین اندیشه‌ی زمان معاصر ام ... من همین تضاد و توحید را بزرگ‌ترین اثر قرن می‌دانم که از خودم است.»

ای کاش! بنی‌صدر قدرشناسانه اندرز حکیمانه امام خمینی را به جان می‌شنید و خیره‌سرانه خود را از توصیه‌های اخلاقی آن اسوه درایت و تدبیر محروم نمی‌ساخت.

مهم‌ترین نصیحت حضرت امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، تحذیر از فریفتگی به مقامات ظاهری بود: توجه داشته باشند همهٔ کسانی که برای بشر خدمت می‌کنند، کسانی که دارای مقامی هستند، دارای پستی هستند، که مقام آنها را مغرور نکند. مقام رفتنی است و انسان در حضور خدای تبارک و تعالی ماندنی است.من از آقای بنی‌صدر می‌خواهم که مابین قبل از ریاست‌جمهور و بعد از ریاست‌جمهور در اخلاق روحی‌شان تفاوت نباشد. تفاوت بودن دلیل بر ضعف نفس است.

ای کاش بنی صدر به این نصیحت گوش می‌کرد ...

پی نوشت‌ها در دفتر روزنامه موجود است

تلاش برای تغییر محاسبات با فرمول تحریم

■ محمد میرزاطبیبی

در بحبوحه دوران مشروطیت و کلاه گشاد انگلیسی ها برای وارونه جلوه دادن صدای مردم، واقعه ای رخ داد که آثار حاصل از پایبندی به آن از تعرض بدخواهان مصون ماند؛ تحریم تنباکو با فتوای یک جمله ای عالمی هوشیار و آگاه به زمانه - در همین ایام - توانست با شکل دهی به مطالبه یک جریان مردمی از توافق نامه ای ننگین در عصر عهدنامه های رنگین جلوگیری کند. توافقی برای ضمانت حفظ و سلطنت شاه نه بقای کشور! یک طرف این توافق، زیاده خواهی استعمارگرانی است که از ثروت بی پایان وطن، کیسه ای - توافقی - بس طولانی و بی پایان دوخته‌اند و در طرف دیگر حکم عالمانه میرزای شیرازی برای ماندگاری عزت و نگهداری ثروت مردم در نه گفتن به "دیپلماسی موازنه" ای که مسابقه ای بود در اخذ رضایت دو قطب استعمار آن روز تا مبادا انگلیس یا روس از سهم نبردن سرمایه عظیم ملت دل چرکین شوند.

مرور تاریخ کم ندارد از این دست جنبش آفرینی ها که توانست تحریم ها و انحصارهای خارجی را بشکند و با رضایت بازاریان و تولید کنندگان از اقتصاد داخلی سدی بسازد برای جلوگیری از سرریز شدن سیلی که ثروت ها را می شوید و منافع را به اقتصاد مهاجم می رساند.

به راستی مشکل اقتصاد کشور با منابع و معادن سرشار طبیعی و وسعت بزرگ آن که چندین کشور اروپایی را در خود جای می دهد و با استعداد و دانش جوانان و نخبگانش که در دنیا زبانزد است، تحریم است؟ آیا مشکل اقتصاد ما فهم، اراده و همت برای شکوفایی بازار پهناور اقتصاد داخلی نیست؟ با یک حساب و کتاب ساده می توان دانست که میزان و نسبت تحریم بر اقتصاد کشور چقدر است، آیا بر فرض محال آزادسازی ثروت محو شده با تحریم، چند درصد به نسبت کل اقتصاد داخلی موجود، برای ما منفعت دارد و چقدر سرمایه و سود برای کشور به ارمغان می آورد؟

فرمول فریب و تغییر محاسبات داخلی از جانب غوغاسالاران که با بزرگنمایی تحریم به دنبال ایجاد هیاهو علیه ایران هستند، می تواند مسئولین را متوجه یگانه علاج اقتصاد کند. «اراده مبارزه با رخنه های اقتصادی» مسئله ای است که اگر به فرامین ابلاغی مقام معظم رهبری در قالب فرمان ۸ ماده ای مبارزه با فساد، سیاست های ابلاغی بخش خصوصی و تعاونی، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در دولت های مختلف و این دولت عمل می شد، آثار و برکات آن را به وضوح شاهد بودیم و دیگر نیاز نبود تا در عرصه داخلی به شعارهای تبلیغاتی و تظاهر بسنده کنیم و تخطئه بدون سند را جایگزین راهکار نمائیم. در این صورت می توان انتظار داشت که امید و تمرکز مطلق در مذاکرات برای توهم شکوفایی اقتصاد با رفع تحریم جای خود را به توجه درمان واقعی اقتصاد دهد.

*** فرمول فریب و تغییر محاسبات داخلی از جانب غوغاسالاران که با بزرگنمایی تحریم به دنبال ایجاد هیاهو علیه ایران هستند، می تواند مسئولین را متوجه یگانه علاج اقتصاد کند نه آن که تخطئه بدون سند را جایگزین راهکار نماید.**

به اذعان بسیاری از مقامات آمریکایی «توافق ژنو برنامه هسته ای ایران را چند مرحله به عقب رانده است» یا «ایران حتی اگر از هر گونه پیشرفت هسته ای خودداری کند باز هم مجبور به تحمل تحریم های چشمگیر است و این یک برد، برای ما است.» این ادبیات آمریکا است. چند روز پیش نشریه «نشنال اینترست» نوشت که با عقب نشینی عجیب ایران، قابلیت گریز هسته ای اش از بین رفته است و بر خلاف اعتقاد عموم هیچ یک از تحریم های چشمگیر علیه بخش های مالی و نفت ایران به حالت تعلیق درنیامده است و ادامه می دهد: «کاهش تحریم ها حدود یک میلیارد دلار در ماه است اما ایران ماهانه ۵ میلیارد دلار با تحریم نفت، از دست می دهد.» تفسیر این جمله این می شود که حجم و تعداد تحریم های جدید و ادامه بلوکه شدن حساب های دلاری ایران بسیار بیشتر از میزان آزادسازی تحریم ها است. نشنال اینترست می نویسد: «گسترش نفوذ ایران در جهان چالش اصلی ما است... باید از طریق تمدید مذاکرات زمان بدست بیاوریم.»

همیشه چشم امید دشمن نقطه ضعف های درونی بوده است. ستون تحریم ها بر بستر ضعف اقتصاد کشور سوار است و إلا تحریم نه تنها اثر ندارد بلکه حتی قابلیت شکل گیری نخواهد یافت. بودجه کشور به شدت محتاج و وابسته به نفت است، شفافیت اقتصادی اگر دچار ابهام باشد، اطلاعات و مدیریت متناسب و درستی برای اصلاح فرار مالیاتی سرسام آور از سرمایه داران بزرگ و شرکت های عظیم سودآور شکل نمی گیرد. دولت اعلام می کند که حدود ۱۴۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات به تولیدکنندگان وام داده است و برای این کار قدرت وام دهی و سرمایه بانک ها را با اجازه دادن خلق پول از طرف بانک ها - ضریب فزاینده - زیاد می کند، اما میزان معوقه های بانکی که هیچ صدایی به عمد از آن درنمی آید بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است و جز محدود سرمایه داران مکنده ثروت عموم، صنایع بزرگ از نبود نقدینگی و تسهیلات ناله سر داده‌اند؛ با این حساب، روشن است که نقدینگی موجود چه مصارفی دارد. واردات بی رویه کالا برای منافع کوتاه مدت می تواند در دراز مدت ضربات عمیقی بر پیکره اقتصاد وارد سازد. مقام معظم رهبری در دیدار با ستاد بزرگداشت روز ملی مهندس به این نکته اشاره داشتند: «امروز فشار واردات، کشور را دارد از پا در می آورد و در خصوص میزان واردات قاچاق به کشور نیز ارقام بسیار عجیبی مطرح است، اما این هم یک توجیه منطقی نیست که به بهانه جلوگیری از قاچاق و دریافت سود گمرکی، راه واردات انبوه به کشور به صورت رسمی باز شود.»

اعلام ارتقای رشد اقتصادی ۱۲ در صدی و تورم ۱۶ درصدی و جالب تر اعلام نرخ تورم بهمن ماه که صفر است و به طور کلی ادعاهای دولت در افتخارات اقتصادی در دو حالت قابل بررسی است: ۱- این حجم موفقیت ها، در حالی که هیچ عایده مؤثری از طریق مذاکرات به دست نیامده، نشان از بی اثر بدون تحریم ها دارد. ۲- آمارها شک و شبهه دارد. این در حالی است که رئیس جمهور محترم در تاریخ ۹۲/۵/۱۵ گفته است: «معیار تورم جیب مردم است نه آمار بانک مرکزی یا مرکز آمار.»

تحریم ها کارساز نیست، این را مقامات آمریکایی خوب می دانند، چرا که همراه با آن، تهدید - بلوف - نظامی را هم چاشنی کار می کنند. کدام کشور است که نداند تحریم ها با هدف به حاشیه راندن قدرت تازه ظهور یافته ایران، فقط برای رژیم اسرائیل و آمریکا منفعت دارد. تا چه زمان می شود با فشار و زور و با تهدید و تطمیع کشورها را با خود همراه ساخت؟ حضور دیر هنگام جان کری در مذاکرات اخیر ژنو و گفتن این عبارت که اگر ایران صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای خود را اثبات نکند، میز مذاکرات را ترک می کنیم.» حکایت از این دارد که آمریکا محتاج توافق و حداقل ادامه مذاکرات است و با این حربه ها بواسطه پشتوانه هیچ، قصد امتیاز گیری دارد. به این جمله توجه کنید: «اگر فشارها را بر ایران افزایش ندهیم، در آینده دیگر نخواهیم توانست جلوی ایران را بگیریم.» بنابراین و بسیاری از شواهد و دلایل دیگر اوضاع برای غرب مغتنم است.

«ادبیات تحریم» و «گفتمان مذاکره» راه علاج اقتصاد بیماری که از حجم اختلاس ها که در دو سال گذشته افزایش یافته - طبق اعلام مراکز رسمی - و مفاسد اقتصادی و پولشویی در آن هر از چندگاهی رخ می نمایاند، نیست. قبول تحریم معنایش این است که ما در کشور هیچ مشکل اقتصادی قابل طرحی نداریم إلا سد بزرگ تحریم! آیا واقعا چنین است؟ اگر طبق تصور غرب و آمریکا تحریم ها ایران را پای میز مذاکرات کشاند، آیا با این وجود، تحریم ها که نقطه قوت و امتیاز گیری غرب از تمام ثروت مادی و معنوی و غیرت ما است، برداشته خواهد شد؟

مگر نه آن که معنای حرکت زمانی است که مقصد واقعی در انتظار باشد. «مقصد خیالی» و چشم امید داشتن به وعده های نسیه آن هم زمانی که به توافق عمل نشده است چه ضرورتی دارد. همین هفته پیش بود که سازمان کشتیرانی ایران بعد از حکم دادگاه عمومی اتحادیه اروپا مبنی بر لغو تحریم بانک تجارت و سازمان کشتیرانی که بازتاب رسانه ای فوق العاده ای هم از جانب دولت داشت، مجدد و بر خلاف توافق ژنو تحریم شد. این در حالی است که در تحریم های خودرو و پتروشیمی نیز راهگشایی قابل توجهی حاصل نشده است و خبرها حکایت از آن دارد که آزاد سازی اموال بلوکه شده ایران که به دلیل تحریم بانکی باید از طریق کشور ثالث انتقال یابد نیز دچار مشکل شده است. با گذشت دو سال بر حجم دارایی های بلوکه شده افزوده شده است و آمریکا از همین دارایی های جدید بلوکه شده، متعهد شده است تا درصدی به ما برگرداند! و اصطلاحا ما را دور بزند.

«رصد برنامه های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن» یکی از بندهای سیاست های مقاومتی ابلاغی است که اگر تحقق می یافت، تحریم های اخیر قابل پیش بینی و پیشگیری بود چرا که نقطه های ضعف اقتصاد داخلی را شناسایی و بدل به قدرت می ساخت. اگر سپردن اقتصاد به دست مردم و قوانین خصوصی سازی و توجه به تعاون به صورت درست اتفاق می افتاد و مالکیت در سطح عموم شکل می گرفت، به پتروشیمی و فرآورده های نفتی توجه لازم به جای توجه و صرف نیرو در مذاکرات می شد، به اصل پیمان های پولی دوجانبه در تجارت با کشورها توجه صورت می گرفت و از همه مهم تر وابستگی به نفت کاهش می یافت، آیا حالا نوبت ما نبود تا طبق فرموده مقام معظم رهبری آن ها را تحریم کنیم: «ملّت ایران هم میتواند تحریم کند؛ این را بگوییم که اگر بنای بر تحریم باشد، در آینده این ملّت ایران است که آنها را تحریم خواهد کرد.»

عصبانیت شیپورهای غرب از ارتباط تهران - صنعا

حضور هیئت بلندپایه‌ای از یمن به ریاست صالح الصماد، رئیس شورای سیاسی انصار الله یمن، برای دیدار رسمی از ایران و انتقال کمک‌های انسان‌دوستانه هلال‌احمر ایران به صنعا منتقل با واکنش عصبی رسانه‌های عربی - غربی مواجه شده است. پرواز این هواپیما به صنعا پس از آن انجام گرفت که بین سازمان هواپیمایی ایران و یمن توافق‌نامه‌ای برای پرواز مستقیم از تهران به صنعا و برعکس امضا شد. به‌موجب این قرارداد، شرکت هواپیمایی یمن (الیمنیه) و شرکت هواپیمایی ایران (ماهان‌ایر) هر یک می‌توانند ۱۴ پرواز به تهران و صنعا داشته باشند.

الصماد در سفر به ایران گفت: هیئت بلندپایه سیاسی و اقتصادی یمن در این سفر با مقامات بلندپایه دولت ایران درباره دورنمای تقویت همکاری و مناسبات دوجانبه در بخش‌های اقتصادی و تجاری و... گفت‌وگو خواهد کرد. سفر این هیئت به تهران در راستای سخنان اخیر عبدالملک الحوثی انجام گرفت که از امکان گشایش افق‌های جدید در روابط و همکاری با کشورهای منطقه که به اراده مردم و حاکمیت ملی این کشور احترام بگذارند، خبر داده بود. خبرگزاری رویترز در واکنش به توافق‌نامه مذکور در گزارشی از صنعا نوشت: «این اقدام نشان‌دهنده حمایت تهران از حوثی‌های شیعه است که بر صنعا مسلط هستند.» منصور هادی، رئیس‌جمهور مستعفی مدعی ریاست‌جمهوری، نیز امضای این توافق‌نامه را غیرقانونی توصیف و ادعا کرد حوثی‌ها با کمک ایران و علی عبدالله صالح (رئیس‌جمهور خلع‌ید شده سابق یمن) توانستند صنعا را در اختیار بگیرند.

امضای توافق‌نامه با یمن و سفر هیئت یمنی به تهران، اقدامی هوشمندانه، انقلابی و شجاعانه و بسیار مهم و ارزشمند است؛ زیرا با وجودی که کشورهای استکباری و مرتجع شاهد عملکرد دیکتاتورهای یمن و به فلاکت افتادن مردم این کشور و روی‌گردانی آن‌ها از دیکتاتورها و اقبال عمومی به انصار الله هستند، همچنان برخلاف خواست مردم برای حفظ منافعشان با دخالت همه‌جانبه در امور یمن، از دیکتاتوری در حال احتضار منصور هادی حمایت می‌کنند و اجازه نمی‌دهند مردم یمن در مسیری که برگزیده‌اند، حرکت کنند. مردم یمن با وجود سنخیت‌های فراوان و تحمل ناملایمات تحمیلی و ایستادن در برابر دخالت‌های مخرب اجانب، نشان دادند شایسته هر نوع کمکی که آن‌ها را در برابر دشمنانش قوی‌تر کند، هستند. اگرچه تعداد کشورهای حامی منصور هادی مزدور بیشتر از کشورهای حامی انقلاب مردم یمن است، در صحنه بودن و انگیزه مردم یمن برای آزادی از بند زورگویان، به بهترین نحو این عدم توازن را جبران می‌کند و آن‌ها را به پیروزی نهایی می‌رساند. ارتباط ایران و یمن با واکنش عصبی رسانه‌های عربی مواجه شده است که برخی از محورهای آن در ذیل می‌آید:

۱-جبهه غربی - عربی با هدف فشار به انقلابیون و وادار کردن آنها به عقب نشینی از مسیر انقلاب، کوتاه مدتی پس از تعطیلی سفارتخانه‌های خود در صنعا، عدن را محل فعالیت‌های دیپلماتیک خود قرار داده و با انتقال سفارتخانه‌های خود به عدن محل استقرار منصور هادی، رئیس جمهور مستعفی و فراری، می‌کوشند به اصطلاح مشروعیت اقدامات انقلابی گروه انصار الله را به چالش بکشند.

۲-نکته قابل توجه در جریان‌سازی تبلیغی رسانه‌های عربی تلاش برای معرفی کردن ایران به عنوان اشغالگر در منطقه است. در واقع رسانه‌های عربی و عرب زبان غربی با این جوسازی ضمن پیگیری سناریوی ایران‌هراسی به نوعی تلاش می‌کنند افکار عمومی منطقه(کشورهای عربی) را علیه ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن برانگیزند.

۳-رسانه‌های عربی